

تأثیر ترکیب هیئت مدیره بر محافظه کاری و به هنگام بودن شناسایی و گزارش اخبار خوب و بد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

علی ابراهیمی کردلر

استادیار دانشگاه تهران - نویسنده مسئول

کرامت الله حیدری رستمی

دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه مازندران

حامد عمرانی

دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه تهران

چکیده:

این تحقیق به مطالعه و بررسی تأثیر ترکیب هیئت مدیره ی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر محافظه کاری و شناسایی به هنگام اخبار خوب و بد پرداخته است. برای اندازه گیری محافظه کاری از مدل باسو استفاده شده است. همچنین جامعه آماری تحقیق به روش حذفی سیستماتیک برای دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ تعیین و با استفاده از رابطه کوکران ۱۰۱ شرکت به عنوان نمونه آماری جهت آزمون فرضیات تحقیق ملاک قرار گرفته است. برای آزمون فرضیه ها، رویه های تخمین و آزمون مفروضات مدل، از تحلیل پانلی استفاده شده است. تحلیل نهایی نتایج حاصل از آزمون فرضیات گویای آن است که شرکت های با ترکیبی مستقل تر، محافظه کارتر می باشند یعنی این شرکت ها اخبار بد را به هنگام تر از

اخبار خوب منتشر و شناسایی می‌کنند که این نتایج بدست آمده نتایج تحقیقات قبلی محققان را تایید و تقویت می‌کند.

کلمات کلیدی: اخبار خوب، اخبار بد، ترکیب هیئت مدیره، محافظه کاری

مقدمه:

محافظه کاری نیز که یکی از مهمترین میثاق‌های محدودکننده صورت‌های مالی به شمار می‌رود، بر اعمال احتیاط در شناسایی و اندازه‌گیری درآمد و دارایی‌ها دلالت دارد. بدون تردید، محافظه کاری جایگاه بی‌نهایت مهمی در باورهای حسابداران دارد؛ در واقع حتی عده‌ای آن را اصل حسابداری هم نامیده‌اند [۱۳]. محافظه کاری در بیان افراطی، بیان همان مثل سنتی است که بیان می‌دارد: "هیچ سودی را پیش‌بینی نکن اما همه زیان‌ها را پیش‌بینی کن". باسو (۱۹۹۷) این ضرب‌المثل را به عنوان تمایل حسابداری بر لزوم میزان قابلیت رسیدگی (تاییدپذیری)^۱ بالاتر، برای شناسایی سودهای عملیاتی نسبت به زیان‌های عملیاتی تفسیر می‌کند [۱۱]. علی‌رغم انتقادهایی که تا کنون به محافظه کاری شده است، محافظه کاری در حسابداری برای قرن‌ها دوام پیدا کرده و به نظر می‌رسد در چند دهه گذشته افزایش یافته است.

محافظه کاری از گذشته دور در تئوری حسابداری مطرح بوده و در عمل هنگام تهیه صورت‌های مالی به عنوان یکی از ابزارهای حمایت از حقوق مالکان اعمال می‌گردیده است. توجه پیوسته و مستمر به این مفهوم و اهمیت دادن به آن در تدوین استانداردهای حسابداری می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که بکارگیری و اعمال رویه‌های محافظه کارانه از ویژگی فزونی منافع بر مخارج برخوردار است.

¹ verification

هیئت مدیره شرکت به عنوان نهاد هدایت‌کننده‌ای که نقش مراقبت و نظارت بر کار مدیران اجرایی را به منظور حفظ منافع مالکیتی سهامداران بر عهده دارد، از اهمیت بالایی برخوردار است. به نظر می‌رسد که رمز موفقیت شرکت، در گرو هدایت مطلوب آن است.

مدیران انگیزه دارند برای اجتناب از اخراج پیش از پایان دوره تصدیشان، زیان‌ها را پنهان نمایند. تحمل زیان‌ها و یا پذیرش پروژه‌های با خالص ارزش فعلی منفی می‌تواند سهامداران را به سمت برکنار کردن مدیر سوق دهد. بکارگیری محافظه‌کاری، شناسایی به موقع زیان‌ها را سرعت می‌بخشد و برای هیئت مدیره و سهامداران شواهدی از ناکارآیی عملیات فراهم می‌آورد و آنان را نسبت به پیگیری زیان و بررسی دلایل آن هوشیار می‌سازد. چنین بررسی‌هایی می‌تواند منجر به کنارگذاری مدیر و حذف پروژه‌هایی شود که ارزش فعلی خالص منفی دارند. به دلیل وجود چنین تضادی بین منافع و انگیزه‌های مدیران، سهامداران و سایر فراهم‌کنندگان سرمایه، سازوکارهای نظام رهبری شرکت به کار گرفته می‌شوند تا با نظارت موثر بر قراردادهای رفتارمدیریت، مشکلات نمایندگی را کاهش دهند. ادبیات تحقیق در زمینه نظام رهبری شرکت بر نقش اعضای غیر موظف هیئت مدیره در کاهش مشکلات ناشی از مسئله نمایندگی، از طریق نظارت و هدایت رفتار مدیریت اجرایی و طراحی مشوق‌هایی برای آنان، تاکید می‌کنند.

بیان مسئله و اهمیت موضوع

هیئت مدیره به عنوان جزء اصلی حاکمیت شرکتی در کنار سهامداران و مدیریت عامل نقش عمده‌ای را در برابر ذینفعان برعهده دارد. حقایق حاکی از آن است که در شرکتها، مدیران بیشتر بدنبال منافع خود بوده‌اند تا منافع ذینفعان. برای حل این مشکل، دو راه وجود دارد: اول آنکه برای تشویق مدیران به انجام رفتار مورد انتظار برایشان پاداش و انگیزاننده در نظر گرفته شود، دومین روش، قدرتمند سازی هیئت مدیره به گونه‌ایست که بتواند نظارت شایسته‌ای بر

عملکرد مدیران داشته باشد. مطابق پیش‌بینی‌هایی که در تحقیقات و تئوری صورت گرفته، هرچه هیئت مدیره از استقلال بیشتری برخوردار باشد که خود تابعی از درصد اعضای غیرموظف فعال در آن است، این نظارت بهتر صورت گرفته و تهیه صورت‌های مالی با کیفیت بالاتری انجام می‌گیرد.

محافظه کاری یعنی اینکه باید از بین ارزش‌های ممکن، برای دارایی‌ها کمترین ارزش و برای بدهی‌ها بیشترین ارزش گزارش شود. درآمدها باید دیرتر شناسایی شوند نه زودتر و هزینه‌ها باید زودتر شناسایی شوند نه دیرتر. از این رو برای پژوهشگر این سؤال مطرح شده که آیا ترکیب هیئت مدیره بر محافظه کاری و شناسایی به هنگام اخبار خوب و بد اثرگذار است؟ یعنی به تعبیری:

آیا رابطه‌ای بین به هنگام بودن اخبار بد منعکس در سود و درصد مدیران غیرموظف در هیئت مدیره وجود دارد؟

آیا رابطه‌ای بین به هنگام بودن اخبار خوب منعکس در سود و درصد مدیران غیرموظف در هیئت مدیره وجود دارد؟

تضاد منافع بین مدیران واحد تجاری و دیگر ذینفعان، ناشی از این است که مدیران به طور موثر کنترل دارایی‌های شرکت را در دست دارند در حالی که معمولاً دارای مالکیت عمده‌ای در سهام آن شرکت نیستند [۱۶]. مدیران با توجه به انگیزه‌های گوناگون از قبیل: دریافت پاداش بیشتر، به جای گذاشتن نتایج عملکردی بهتر و... در صدد شناسایی سریعتر سودها و به تاخیر انداختن هر چه بیشتر زیان‌ها و هزینه‌ها هستند که این خود ناشی از کوتاهی افق زمانی است که مدیران اجرایی برای فعالیت خود در یک واحد تجاری در نظر می‌گیرند. به نظر می‌رسد، هیئت مدیره شرکت به عنوان نهاد راهبری که نقش هدایت و نظارت بر کار مدیران اجرایی را به منظور حفظ منافع سهامداران عهده دار است، از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. با توجه

به استقلال بیشتر اعضای غیر موظف هیئت مدیره، انتظار می رود درصد بالاتر این اعضا منجر به هدایت مناسبتر و از جمله اتخاذ شیوه های محافظه کارانه تر در زمانبندی شناسایی سود های حسابداری گردد. همچنین انتظار می رود با بالاتر رفتن درصد مالکیت اعضای غیر موظف هیئت مدیره، آنها منافع خود را همسوتر با سایر مالکان حس کرده و مانع از رفتار فرصت طلبانه مدیران اجرایی شرکت (که یکی از این رفتارها، شناسایی زودتر سود است) شوند.

مروری بر پیشینه ی تحقیق

پژوهش های زیادی بر نقش اعضاء غیرموظف هیئت مدیره در کاهش مشکلات ناشی از مسئله نمایندگی، از طریق نظارت و هدایت رفتار مدیریت اجرایی و طراحی مشوق هایی برای آنان، تاکید میکنند. برای مثال هرمالین^۲ و همکاران (۱۹۸۸) به این نتیجه رسیدند که هیئت مدیره هایی که اعضای غیرموظف در آنها تسلط دارند، بیشتر در راستای منافع سهامداران گام برداشته و با احتمال بیشتری مانع عملکرد ضعیف اعضای هیئت مدیره می شوند. اثر ترکیب هیئت مدیره بر عملکرد شرکت و سود حسابداری مربوط نیز در سال های اخیر مورد بررسی بوده است. همان گونه که کراونس^۳ و والاس^۴ (۲۰۰۱) بحث کرده اند، اکثر این تحقیقات نشان می دهند که هرچه تسلط نماینده غیرموظف افزایش یابد، نرخ بازده سود سهام افزایش یافته، و نیز علاوه بر آن عملکرد مالی و ثروت سهام داران افزایش می یابد [۱۴ و ۹]. بیسلی^۵ (۱۹۹۶)، دچو^۶ (۱۹۹۶) و فاربر^۷ (۲۰۰۵) شواهدی ارائه نمودند که شرکتهای دارای هیئت مدیره با اکثریت اعضاء غیرموظف، کمتر درگیر تقلب های حسابداری هستند [۱۵]. بیکس^۸ و همکاران (۲۰۰۴) رابطه

2 Hermalyn

3 Cravens

4 Wallace

5 Vafeas

6 Beesley

7 Farber

8 Beekes

بین درصد اعضاء غيرموظف هيئت مديره را با محافظه كاري بررسي كردند. آنها با استفاده از مدل باسو⁹ (۱۹۹۷) به دو صورت، آزمون آماری خود را انجام دادند [۱۳]:

۱) مشاهدات را از لحاظ درصد حضور اعضاء غيرموظف در هيئت مديره مرتب كردند. به نمونه‌های بالاتر از میانه عدد يك (۱) و به بقیه عدد صفر (۰) اختصاص دادند و ضریب همبستگی آن را با محافظه كاري محاسبه كردند.

۲) درصد اعضاء غير موظف هيئت مديره را به صورت يك متغير مستقل در مدل باسو وارد كردند و ضریب همبستگی آن را با محافظه كاري بدست آوردند.

احمد و دولمان (۲۰۰۷) با استفاده از نمونه‌ای از حدود ۷۵۰ سال / شرکت، و با استفاده از مدل باسو نشان دادند که درصد بالاتر مدیران اجرایی در هيئت مديره منجر به کاهش محافظه كاري می‌شود. همچنین آنها دریافتند بین درصد مالکیت اعضاء غيرموظف هيئت مديره با محافظه-كاري رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد [۱۰]. لافوند^{۱۰} و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیقی به بررسی رابطه درصد مالکیت مدیران موظف با محافظه كاري پرداختند [۱۷]. یافته‌های آنها مطابق این فرضیه بود که هر قدر درصد مالکیت مدیران موظف کمتر می‌شود، با توجه به کاهش همسویی منافع آنان با منافع سهامداران و افزایش هزینه‌های نمایندگی، تقاضا برای محافظه-كاري افزایش می‌یابد.

کردستانی و لنگرودی به بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری به عنوان معیارهای محافظه كاري در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج تحقیق آنها حاکی از وجود يك رابطه منفی معنی‌دار بین این دو

معیار سنجش محافظه کاری بود همچنین آنها دریافتند هرچه دوره برآورد معیار عدم تقارن زمانی طولانی تر شود، این رابطه منفی تر می شود [۶].

شهریاری (۱۳۸۷) نیز به بررسی رابطه بین هزینه های سیاسی بر میزان محافظه کاری اعمال شده توسط شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. رابطه هفت متغیر اندازه، درجه رقابت در صنعت، شدت سرمایه گذاری، ریسک، مالکیت دولتی، نرخ موثر مالیاتی و تمرکز مالکیت با محافظه کاری توسط وی مورد بررسی قرار گرفته و نتایج تحقیق نشان می دهد که با افزایش اندازه، محافظه کاری کاهش می یابد. همچنین بین درجه رقابت در صنعت و مالکیت دولتی با محافظه کاری یک رابطه مستقیم برقرار است. بین ریسک و نرخ موثر مالیاتی با محافظه کاری هیچ گونه رابطه معناداری مشاهده نشده و بین شدت سرمایه گذاری و تمرکز مالکیت با محافظه کاری یک رابطه معکوس برقرار است [۳].

سیدی (۱۳۸۶) با استفاده از روش رگرسیون به بررسی نمونه ۷۱ شرکتی خود پرداخت. نتایج آزمون های آماری در خصوص فرضیه های این تحقیق نشان داد که بین تعداد جلسات هیئت مدیره و وجود مدیران غیرموظف در هیئت مدیره با ارقام تعهدی اختیاری رابطه معناداری وجود ندارد، اما بین سطح دانش مالی اعضای هیئت مدیره و ارقام تعهدی اختیاری رابطه معنادار مستقیمی برقرار است [۲].

قنبری (۱۳۸۶) به بررسی رابطه بین مکانیزم های حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت با استفاده از نمونه ای مشتمل بر ۷۳ شرکت طی سال های ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۴ در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. در این پژوهش رابطه سه مکانیزم درونی و یک مکانیزم بیرونی با عملکرد بررسی شده است. معیار ارزیابی عملکرد، دو متغیر، یکی Q توبین و دیگری رشد سود ناخالص می باشد. نسبت حضور اعضای غیرموظف در ترکیب هیات مدیره، حسابرس داخلی و شفافیت

اطلاعاتی مکانیزم‌های درونی و سرمایه‌گذاران نهادی نیز به عنوان مکانیزم بیرونی در این پژوهش در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از این تحقیق حاکی از این است که: نسبت حضور اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره بر عملکرد تأثیری ندارد، وجود حسابرس داخلی رابطه‌ای مستقیم با عملکرد دارد، شفافیت اطلاعاتی رابطه‌ای با عملکرد شرکت ندارد، و مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی با عملکرد رابطه مستقیم دارد.

فعلی (۱۳۸۷) به بررسی نقش سهامداران نهادی و درصد مدیران غیرموظف بر ارزش شرکت در اطلاعات ۹۷ شرکت در دوره چهار ساله پرداخته است. نتایج وی نشان داد که با توجه به آن که میزان مالکیت نهادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران زیاد می‌باشد رابطه معناداری بین سهامداران نهادی و ارزش شرکت وجود ندارد. با این حال در کلیه شرکت‌های نمونه حداقل یک عضو غیرموظف در هیئت مدیره وجود دارد که باعث وجود رابطه معناداری بین نسبت مدیران غیرموظف و ارزش شرکت شده است [۴].

اعتمادی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خود به بررسی ارتباط بین میثاق محافظه‌کاری و اجزاء هزینه‌های تامین مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و ارائه مدلی برای پیش‌بینی میزان رعایت محافظه‌کاری حسابداری در شرکتها پرداختند. نتیجه یافته‌های آنها حاکی از وجود همبستگی بین برخی از اجزاء هزینه‌های تامین مالی با محافظه‌کاری حسابداری و ارائه مدلی برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری می‌باشد [۱].

مشایخی و نصیری (۱۳۹۱) در تحقیق خود تحت عنوان "تغییرات سری زمانی محافظه‌کاری در حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" به بررسی تغییرات محافظه‌کاری در گزارشگری مالی شرکت‌ها در ایران با تأکید بر تغییرات اقلام تعهدی و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری خالص دارایی‌ها پرداختند. جامعه آماری این تحقیق،

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ۱۳۸۱ تا پایان ۱۳۸۹ بوده که ۱۱۶ شرکت (۱۰۴۴ سال- شرکت) در نمونه این تحقیق جای گرفتند. نتایج این تحقیق از گزارشگری مالی شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران، فرض افزایش محافظه‌کاری را تایید نکرده و نشان می‌دهد که میزان محافظه‌کاری در گزارشگری مالی شرکت‌ها در ایران در طول یک دهه گذشته به طور افزایشی تغییر نکرده است [۷].

فرضیه های تحقیق:

تحقیقات زیادی در گذشته کیفیت اطلاعات مالی در دسترس عموم را از طریق آزمون به هنگام بودن شناسایی اخبار و محافظه‌کاری آزموده‌اند. در گروه اول اسکینر^{۱۱} (۱۹۹۴)، ترومن^{۱۲} (۱۹۹۷)، بیکس و دیگران (۲۰۰۴)، لافوند و رویچودهاری^{۱۳} (۲۰۰۸) اظهار می‌کنند که مدیران انگیزه زیادی در گزارش به هنگام اخبار بد دارند زیرا آنها می‌خواهند خود را در برابر مسئولیت قضایی حفظ کنند [۱۳ و ۱۷ و ۲۰].

نتیجه اینکه، انتظار می‌رود شرکت‌هایی با ساختار حاکمیت شرکتی خوب با درصد بیشتر هیئت مدیره غیرموظف محافظه‌کارتر بوده و اخبار بد را به هنگام‌تر در سود منعکس می‌کنند. به دلیل اینکه شرکت‌های با استقلال بیشتر هیئت‌مدیره، از کیفیت حسابداری بالاتر برخوردارند انتظار بر این است که اخبار بد را به‌هنگام‌تر شناسایی کنند. بر عکس نظارت شرکت‌هایی با حاکمیت ضعیفتر (هیئت‌هایی با تسلط درصد اعضای موظف) از اثربخشی کمتری برخوردار است، و بیشتر تمایل به مدیریت سود دارند، در نتیجه انتظار می‌رود که شرکت‌هایی با کیفیت حسابداری پایین‌تری باشند. طبق گفته بیکس و دیگران در سال ۲۰۰۴ دو فرضیه زیر را مطرح می‌کنیم:

11 Skinner

12 Trueman

13 Roychowdhury

فرضیه ۲: بین به‌هنگام‌بودن اخبار بد منعکس در سود و درصد مدیران غیرموظف هیئت‌مدیره رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه ۳: بین به‌هنگام‌بودن اخبار خوب منعکس در سود و درصد مدیران غیرموظف در هیئت‌مدیره رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش تحقیق:

این تحقیق از نوع همبستگی و روش شناسی تحقیق از نوع پس‌رویدادی است و از آنجاییکه می‌تواند در فرآیند تصمیم‌گیری کاربرد داشته باشد، لذا نوع تحقیق کاربردی است. مدل آماری که در این پژوهش به کار گرفته شده مدل رگرسیون چندمتغیره است. داده‌های جمع‌آوری شده، توسط نرم‌افزار Excel محاسبه و با نرم‌افزار Eviews ۷ مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. برای بررسی و برآورد مدل کلی از تحلیل پانلی استفاده می‌شود. در تحلیل پانلی، داده‌ها به صورت مقطعی-زمانی گردآوری شده‌اند. در تحلیل پانلی می‌توان کمبودهایی را که در هر یک از مدل‌های سری زمانی و مقطعی وجود دارد، کاهش داد. مشکلات مدل‌های سری زمانی معمولاً مشکل خود همبستگی می‌باشد و در آمارهای مقطعی مشکل واریانس ناهمسانی وجود دارد. در پانل با تلفیق این دو گروه از اطلاعات با افزایش تعداد مشاهدات و درجه آزادی مشکل هم‌راستایی بین متغیرهای توضیحی کمتر می‌شود و کارایی تخمین اقتصادسنجی افزایش می‌یابد [۱۴].

جامعه، نمونه آماری و دوره زمانی تحقیق

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که از ابتدای سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، در بورس فعال بوده‌اند، بنابراین جامعه آماری با استفاده از روش حذفی سیستماتیک و با توجه به معیارهای زیر، انتخاب شده است:

- ۱ - با توجه به دوره زمانی در دسترس اطلاعات (۱۳۹۰-۱۳۸۵)، شرکت قبل از سال ۸۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد و نام آن تا پایان سال ۱۳۹۰ از فهرست شرکت های یاد شده حذف نشده باشد.
- ۲ - به منظور افزایش هم سنجی و همسان سازی شرایط انتخابی شرکتها، پایان سال مالی شرکت ها ۲۹ اسفند ماه می باشد.
- ۳ - به دلیل متفاوت بودن ماهیت اقتصادی شرکت هایی نظیر (شرکت سرمایه گذاری، واسطه گری مالی، هلدینگ، بانک و لیزینگ) از سایر شرکتها، این شرکتها از نمونه حذف شده اند.
- ۴ - اطلاعات مورد نیاز متغیرهای تحقیق (گزارش هیات مدیره ، صورتهای مالی و یادداشت های توضیحی) در دسترس باشد.
- ۵ - شرکتها نباید توقف فعالیت داشته و دوره مالی خود را طی سالیان ۱۳۹۰-۱۳۸۵ تغییر داده باشند.
- پس از ملاحظات مزبور، جامعه آماری تحقیق ۱۳۷ شرکت تعیین شد، که با استفاده از فرمول کوکران ، حجم نمونه در فاصله اطمینان ۹۵٪ و با مدنظر قراردادن پارامترهای نگاره (۱) تعداد ۱۰۱ شرکت تعیین شده است. بنابراین، اطلاعات مالی و غیر مالی ۱۰۱ شرکت جهت تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد.

نگاره (۱): پارامترهای محاسبه تعداد نمونه آماری تحقیق

| حجم نمونه | d | q | P | Z | N |
|-----------|------|-----|-----|------|-----|
| ۱۰۱ | ۰/۰۵ | ۰/۵ | ۰/۵ | ۱/۹۶ | ۱۳۷ |

روش گردآوری اطلاعات

داده های مورد استفاده در این پژوهش از نوع ثانویه می باشند که از طریق پایگاه های زیر گردآوری شده است :

(۱) نرم افزار اطلاعاتی رهاورد نوین ۳.

صورت های مالی حسابرسی شده و گزارش فعالیت هیات مدیره شرکت های پذیرفته شده در بورس از سایت (www.rdis.ir).

آزمون این تحقیق شامل آزمون ارتباط بین شناسایی به موقع سود و محافظه کاری سود با ترکیب هیئت مدیره است. طبق تحقیقات بیکس و دیگران (۲۰۰۴) [۱۳]، ما از مدل رگرسیونی معکوس باسو (۱۹۹۷) بین سود هر سهم و بازده سهام استفاده می کنیم. برای استفاده از این مدل بازده ۱۲ ماهه سهام را برای یک سال محاسبه و به عنوان اخبار مربوط به عملکرد یک شرکت که در دسترس عموم است، استفاده می کنیم.

باسو (۱۹۹۷) یک متغیر موهوم (D) را در مدل رگرسیونی معکوس بر طبق این فرض که انتظار می رود سودها با بازده بازار در زمان رکود در مقایسه با زمان رونق آن همبستگی بیشتری داشته باشند، معرفی کرده است. به این متغیر کیفی در صورت منفی بودن بازده، عدد یک (۱) داده می شود و در غیر این صورت عدد صفر (۰) لحاظ می گردد. تحت این فرض ها فرم نهایی مدل باسو (۱۹۹۷) به قرار زیر است:

$$\begin{aligned} EPS_{it} = & b_0 + b_1R_{it} + b_2D_{it} + b_3R_{it} * D_{it} + b_4DOUT_{it} + b_5D_{it} \\ & * DOUT_{it} + b_6R_{it} * DOUT_{it} + b_7R_{it} * D_{it} * DOUT_{it} \\ & + b_8LEV_{it} + b_9SIZE_{it} + e_{it} \end{aligned}$$

در این مدل :

بازده سالانه سهام شرکت (Rit): بازده یک سرمایه گذاری عبارتست از جریان نقدی قابل تحقق که توسط صاحبان آن سرمایه گذاری در طول یک دوره زمانی معین تحصیل می شود. با استفاده از فرمول زیر میتوان بازده یک قلم سرمایه گذاری را محاسبه نمود.

$$R_t = \frac{(p_t - p_{t-1}) + D_t}{P_{t-1}}$$

R_t : نرخ بازده اوراق بهادار در زمان t ، P_t : قیمت اوراق بهادار در زمان t ، P_{t-1} : قیمت اوراق بهادار در زمان $t-1$ ، D_t : سود قابل دریافت از اوراق بهادار در زمان t .

EPS_{it} سود هر سهم سالانه شرکت i برای سال مالی t می باشد.

DOU_{it} یک متغیر موهوم است که عدد یک (۱) را وقتی میگیرد که درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره بیشتر از درصد میانگین نمونه باشد و در غیر اینصورت صفر (+) به آن اختصاص می یابد.

D یک متغیر موهوم است که به آن در صورت منفی بودن بازده، عدد یک (۱) داده می شود و در غیر اینصورت عدد صفر (+) لحاظ می گردد.

LEV_{it} اهرم مالی است که از طریق نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها اندازه گیری می شود.

$SIZE_{it}$ شرکت نیز لگاریتم طبیعی دارایی های کل شرکت در پایان سال مالی می باشد.

روش های آماری آزمون فرضیات

در این تحقیق از تحلیل رگرسیون و داده های ترکیبی، برای آزمون فرضیات استفاده می شود. تحلیل رگرسیونی روشی برای مطالعه سهم یک یا چند متغیر مستقل در پیش بینی متغیر وابسته است. آزمون های آماری لازم و نوع آماره استفاده شده جهت تحلیل رگرسیون چند متغیره در سطح اطمینان ۹۵٪ در نگاره شماره (۲) آورده شده است.

نگاره (۲): آزمون‌های آماری لازم جهت تحلیل رگرسیون چند متغیره

| فرضیه | نوع آزمون استفاده شده | | نوع آماره استفاده شده |
|-------------|---|--|-----------------------|
| کلیه فرضیات | مفروضات کلاسیک رگرسیون | | Jarque - Bera |
| | تشخیص نوع داده های ترکیبی (تلفیقی یا تابلویی) | | F-Limer |
| | تعیین نوع روش بر آورد (اثرات ثابت یا تصادفی) | | Hausman test |
| | معنادار بودن مدل | | F |
| | آزمون معنادار بودن ضرایب مدل | | T |
| | آزمون نرمال بودن | | |

تجزیه و تحلیل داده‌ها

آزمون نرمال بودن

قبل از آزمون فرضیات، باید نرمال بودن متغیر وابسته مورد آزمون قرار گیرد، توزیع غیرنرمال این متغیر منجر به تخطی از مفروضات این روش برای تخمین پارامترها می شود. لذا لازم است نرمال بودن توزیع متغیر وابسته تحقیق مورد آزمون قرار گیرد. در این مطالعه این موضوع از طریق آماره جارکیو- برا^{۴۰} مورد بررسی قرار می گیرد. فرض صفر و فرض مقابل در این آزمون به صورت زیر می باشد:

$$\begin{cases} H_0 = \text{Normal Distribution} \\ H_1 = \text{Not Normal Distribution} \end{cases}$$

با توجه به سطح معنی داری متغیرهای وابسته، که همگی کمتر از ۰/۰۵ هستند، فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیر مربوطه رد می شوند. بنابراین برای نرمال نمودن کلیه متغیرهای وابسته تحقیق از Ln استفاده شده است. از آنجاییکه پس از نرمال نمودن، احتمال آماره بیشتر

از ۵٪ است ($Prob > .05$)، فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیر مربوطه تایید می‌شود. نتایج حاصل از آزمون جارکیو - برا به شرح نگاره (۳) می‌باشد. نگاره (۳): نتایج حاصل از آزمون جارکیو برا

| متغیر وابسته | قبل از نرمال سازی | | پس از نرمال سازی | |
|--------------|--------------------|---------------|--------------------|---------------|
| | آماره ی جارکیو برا | سطح معنی داری | آماره ی جارکیو برا | سطح معنی داری |
| EPS | ۱/۲۱۱ | ۰/۰۸۴ | ۰/۹۷۱ | ۰/۲۹۳ |

آزمون فرضیات تحقیق

در این پژوهش از روش داده های ترکیبی استفاده می‌شود. روش های مختلفی برای برآورد یک الگو با داده های ترکیبی وجود دارد که در یک جمع بندی به دو دسته زیر تقسیم می‌شود:

الف - برآورد مدل با فرض یکسان بودن عرض از مبدأ برای تمامی مقاطع (شرکت ها).

ب - برآورد مدل با فرض متفاوت بودن عرض از مبدأ برای مقاطع (شرکت های) مختلف با دو روش اثرات ثابت و یا تصادفی.

لذا برای اینکه بتوان مشخص نمود که آیا داده های پانل جهت برآورد تابع مورد نظر کارآمدتر خواهد بود یا نه، فرضیه ای را آزمون می‌کنیم که در آن کلیه عبارات ثابت برآورد با یکدیگر برابر هستند. فرضیه صفر این آزمون که به **آزمون F لیمر** معروف است بصورت زیر می‌باشد:

$$\begin{cases} H_0 : \alpha_i = \alpha \\ H_1 : \alpha_i \neq \alpha \end{cases}$$

برای آزمون فرضیه مذکور از آماره F بصورت زیر استفاده می‌شود:

$$F(N-1, NT-N-K) = \frac{(RRSS - URSS)/(N-1)}{URSS/(NT-N-K)}$$

در صورتی که فرضیه H_0 پذیرفته شود به معنی یکسان بودن شیب ها برای مقاطع مختلف بوده و قابلیت ترکیب شدن داده ها و استفاده از مدل رگرسیون ترکیب شده مورد تأیید آماری قرار می گیرد. اما در صورت رد فرضیه H_0 روش داده های پانل پذیرفته می شود و می توان از روش داده های پانل استفاده کرد.

نگاره (۴): نتایج حاصل از آزمون F لیمر

| نوع داده های پذیرفته شده | آماره | سطح معنی داری |
|--------------------------|-------|---------------|
| داده های تابلویی | ۵/۳۱۶ | ۰/۰۰۰ |

همانگونه که در نگاره ۴ ملاحظه می شود سطح معناداری محاسبه شده از آزمون F برای مدل کوچکتر از ۵ درصد می باشد و بنابراین فرض H_0 رد می گردد و رد شدن فرض صفر به این معنی است که عرض از مبداها برای مقاطع (شرکتها) متفاوت می باشد و استفاده از روش OLS در اینصورت ناسازگار بوده و کارایی هم نخواهد داشت و می توان از روش داده های پانل استفاده نمود. در گام بعدی ، به منظور اینکه مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) جهت برآورد مناسب تر است (تشخیص ثابت یا تصادفی بودن تفاوت های واحدهای مقطعی) از **آزمون هاسمن** استفاده می شود. در این آزمون فرضیه H_0 بیانگر این است که ارتباطی بین جزء اخلاص مربوط به عرض از مبدأ و متغیرهای توضیحی وجود ندارد و آن ها از یکدیگر مستقل هستند. در آزمون هاسمن در صورتی که فرضیه H_0 رد شود از روش اثرات ثابت و در صورتی که فرضیه H_0 پذیرفته شود از روش اثرات تصادفی بهره گرفته می شود. نتایج حاصل از این آزمون در نگاره زیر ارائه شده است.

نگاره (۵): نتایج حاصل از آزمون هاسمن

| سطح معنی داری | آماره | نوع داده های پذیرفته شده |
|---------------|-------|--------------------------|
| ۰/۰۰۰ | ۷/۳۱۸ | داده های تابلویی |

همان طور که در نگاره ی شماره ۵ نیز قابل مشاهده است، سطح معناداری محاسبه شده از این آزمون برابر ۰/۰۰۰ و کوچک تر از ۵ درصد است و حاکی از رد فرض H_0 است. در نتیجه الگوی، داده های تابلویی با اثرات ثابت روش ارجح است. حال در ادامه نتایج تخمین الگوی تحقیق در نگاره ی شماره ۶ با روش داده های تابلویی با اثرات ثابت نشان داده شده است. نگاره ۶. ارتباط بین محافظه کاری، به هنگام بودن و ترکیب هیئت مدیره

| مدل | عرض از میدا | | | | | | | | | | | |
|-----------------------|--------------------------------|-------------------------------|------------------------------|-------------------------------|-------------------------------|---------------------------------|-------------------------------|-----------------------------|-------------------------------|--------------------------------|--|--|
| ۱-الف T p-value | ۶۶۵/۷۸۱ (۱۴/۷۳۹) (۰/۰۰۰) | -۱/۹۹۴ (-۰/۴۷) (۰/۶۳۲) | ۲۵۳/۹ (۲/۵۴۴) (۰/۰۱۱) | ۵۵/۰۹۹ (۱۶/۰۱۹) (۰/۰۰۰) | | | | | | | | |
| ۱-ب T p-value | ۶۱۵/۱۰۷ (۱۱/۰۱۴) (۰/۰۰۰) | -۲/۰۱۹ (-۰/۴۱۳) (۰/۶۵۸) | ۲۷۰/۹۷ (۲/۶۷۳) (۰/۰۰۸) | ۵۴/۶۸۴ (۱۵/۳۳۸) (۰/۰۰۰) | ۱۵۲/۹۳۹ (۲/۱۲۶) (۰/۰۳۴) | -۲۰۶/۸۴۱ (-۱/۵۵۷) (۰/۱۲۰) | -۳/۷۵۷ (-۰/۸۵۴) (۰/۳۹۳) | ۶/۸۳۰ (۴/۳۸۴) (۰/۰۰۰) | | | | |
| ۱-ج T p-value | ۸۳۸/۱۳۶ (۲/۴۱۸) (۰/۰۱۶) | ۲/۰۲۴ (۰/۶۷۶) (۰/۴۹۹) | ۲۷۳/۰۱ (۲/۶۸۶) (۰/۰۰۸) | ۵۴/۷۲۶ (۱۵/۲۵۹) (۰/۰۰۰) | ۱۴۸/۹۷۵ (۲/۰۳۰) (۰/۰۴۳) | -۲۰۹/۲۶۲ (-۱/۵۶۶) (۰/۱۱۸) | -۳/۸۶ (-۰/۸۷۵) (۰/۳۸۲) | ۶/۸۳۰ (۴/۳۵۶) (۰/۰۰۰) | -۴/۱۲۸ (-۰/۰۴۶) (۰/۹۶۳) | -۳۷/۶۴۱ (-۰/۶۶۷) (۰/۴۹۹) | | |

در این بخش ما رابطه بین به هنگام بودن سود، محافظه کاری و ترکیب هیئت مدیره را دنبال می کنیم. نتایج مربوط در نگاره ۶ ارائه شده است. مدل ۱-الف پژوهش مدل استاندارد باسو (۱۹۹۷) است که به بررسی به هنگام بودن شناسایی اخبار خوب و بد پرداخته است. ضریب b_1 یعنی ضریب R غیر معنی دار است که نشان می دهد شرکت ها

تمایلی به گزارش به موقع اخبار خوب ندارند. در مقابل، ضریب b3 که مثبت و معنی‌دار است، نشان می‌دهد که خبر بد در سود به هنگام تر منعکس شده است.

مدل‌های ۱-ب و ۱-ج شامل متغیر دامی DOUT دیگریست. DOUT ارزش یک (1) را وقتی دریافت می‌دارد که درصد مدیران غیرموظف هیئت مدیره است بالاتر از متوسط نمونه باشد و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شده است. در مدل همان‌طور که قابل پیش‌بینی بود ضریب b7 ($DOUT * D * R$) مثبت و معنی‌دار است، که در نتیجه فرضیه دوم تایید شد. این نتیجه نشان می‌دهد که به هنگام بودن سود بیشتری در شناسایی اخبار بد در شرکت-هایی با درصد مدیران غیرموظف هیئت مدیره بالاتر از سطح متوسط نمونه وجود دارد. به عبارت دیگر، حساسیت کمتری نسبت به اخبار بد در شرکت‌هایی با درصد کمتر از میانگین درصد مدیران غیرموظف هیئت مدیره وجود دارد.

با این حال، نتایج بدست آمده از مدل نتایج مورد انتظار ذکر شده برای فرضیه اول را پشتیبانی نمی‌کند. ضریب b6 که به هنگام بودن شناسایی خبر خوب را نشان می‌دهد معنی‌دار نبوده. در واقع این بدان معنی است که هیچ افزایشی در بهبود سرعت یکپارچه سازی خبر خوب مرتبط با سود برای شرکت‌هایی با هیئت مستقل وجود ندارد. با توجه به این واقعیت که b7 معنی‌دار است تایید می‌کند که مدیران غیرموظف گزارشگری مالی را تنها از نظر شناخت خبر بد تحت تاثیر قرار می‌دهند. این نتایج با نتایج بدست آمده در تحقیقات بیکس^{۱۴} و همکاران (2004)، لافوند^{۱۵} و ریچودهایری^{۱۶} (2008) و بوشمن^{۱۷} و همکاران (2004) سازگار است.

¹⁴ Beekes

¹⁵ Lafond

¹⁶ Roychowdhury

¹⁷ Bushman

نتیجه گیری:

بسیاری از محققان معتقدند که هیئت مدیره‌های مستقل گزارش‌هایی با کیفیت بالاتر ارائه می‌کنند چرا که آنها کمتر در معرض نفوذ ناروا توسط مدیران اجرایی هستند، بنابراین نظارت بهتر از فعالیت‌های کسب و کار دارند. هدف انجام این پژوهش بررسی چگونگی اثرپذیری محافظه‌کاری و به‌هنگام گزارش شدن اخبار از ترکیب هیئت مدیره، در بازار سرمایه ایران بوده است. به این دلیل انتخاب یک نمونه ۱۰۱ تایی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با اطلاعات مالی و اطلاعات کامل ساختار هیئت مدیره در سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۰ انتخاب شده. یافته‌های تحقیق انجام شده نتایج مورد انتظار ذکر شده برای فرضیه اول را پشتیبانی نمی‌کند و این امر به دلیل آن است که ضریب *b6* که به‌هنگام بودن شناسایی خبر خوب را نشان می‌دهد معنی‌دار نبوده. در واقع این بدان معنی است که هیچ افزایشی در بهبود سرعت یکپارچه سازی خبر خوب مرتبط با سود برای شرکت‌هایی با هیئت مستقل وجود ندارد. با توجه به این واقعیت که *b7* معنی‌دار است تایید می‌کند که مدیران غیرموظف گزارشگری مالی را تنها از نظر شناخت خبر بد تحت تاثیر قرار می‌دهد و در نتیجه فرضیه دوم تحقیق تایید می‌گردد.

منابع:

۱. اعتمادی، حسین، نوروش، ایرج، آذر، عادل و سراجی، حسن، (۱۳۸۹)، "طراحی و تبیین مدل پیش بینی محافظه کاری حسابداری با تاکید بر ارتباط آن با میانگین موزون هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **نشریه**

مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره ۵.

۲. سیدی، سید عزیز، (۱۳۸۶)، "بررسی رابطه بین مشخصه‌های هیات مدیره با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

۳. شهریاری، علیرضا، (۱۳۸۷)، "بررسی رابطه بین هزینه‌های سیاسی و محافظه‌کاری (فرضیه سیاسی) در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

۴. فعلی، مریم، (۱۳۸۷)، "بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و ارزش شرکت"، دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

۵. قنبری، فرحناز، (۱۳۸۶)، "بررسی تاثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دانشگاه الزهراء، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

۶. کردستانی، غلامرضا و امیر بیگی لنگرودی، حبیب، (۱۳۸۷)، "محافظه‌کاری در گزارشگری مالی: بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه‌کاری"، **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۵۲، ص

۷. مشایخی، بیتا و نصیری، سیده سادات، (۱۳۹۱)، "تغییرات سری زمانی محافظه کاری

در حسابداری شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **مطالعات**

حسابداری و حسابرسی، شماره ۲.

8. Agrawal, A., Chadha, S., (2005), "Corporate governance and accounting scandals", J. Law Econ, 48, PP. 371-406.
9. Agrawal, A., Knoeber, C., (1996), "Firm performance and mechanisms to control agency problems between managers and shareholders", J. Finance, Quant. Anal. Vol. 31 (3), PP. 377-397.
10. Ahmed, A. S. & Duellman, S., (2007), "Evidence on the role of accounting conservatism in corporate governance", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 43, PP. 411-437.
11. Basu, S., (1997), "The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings", J. Account. Econ, Vol. 24, PP. 3-37.
12. Bathala, C. T., Rao, R. P., (1995), "The determinants of board composition: an agency theory perspective", Manag. Dec. Econ, Vol. 16, PP. 59-69.

13. Beekes, W., P. Pope and S. Young, (2004), "The link between earnings timeliness, earnings conservatism and board composition: Evidence from the U.K. Corporate Governance", **An International Review**, Vol. 12 (1), PP. 47–59.
14. Cravens, K., Wallace, W., (2001), "A framework for determining the influence of corporate board of directors in accounting studies", *Corp, Gover*, Vol. 9 (1), PP. 2–24.
15. Dechow, P., Sloan, R., Sweeney, A., (1996), "Causes and consequences of earnings manipulation: an analysis of firms subject to enforcement actions by the SEC", **Contemporary Account**, Res. 13 (1), PP. 1–36.
16. Jensen, M., (1993), "AFA presidential address: the modern industrial revolution exit and the failure of internal control systems", *J. Finan*, Vol. 48 (3), PP. 830–881.
17. Lafond, R., Roychowdhury, S., (2008), "Managerial ownership and accounting conservatism", *J. Account. Res.* Vol. 46 (1), PP. 101–135.
18. LaFond, R., Watts, R., (2008). "The information role of conservatism", **The Accounting Review**, Vol. 83 (2), PP. 447–478.

19. Rediker, K. J., Seth, A., (1995), "Board of directors and substitution effects of alternative governance mechanisms", *Strategic Manag. J.* Vol. 16, PP. 85–99.
20. Skinner, D. J., (1994), "Why firms voluntarily disclose bad news", *J. Account. Res.* Vol. 32, PP. 38–60.

Investigation of board composition on conservatism and timeliness in reporting of earnings in listed companies in Tehran Stock Exchange

Abstract:

This study is surveying the effect of board of directors' composition on conservatism and earnings timeliness reporting in TSE. For modeling conservatism, BASUE model is used. Statistical society is found by judgmental omission and then by Cochran function, 101 companies for the period of 1385 to 1390 are selected. For testing hypothesis, panel data analysis is used. Results of this study show that companies with more independent boards are more conservative that means they report bad news timelier than good news that robust earlier studies in this scope.

Keywords: board of director composition, conservatism, bad news, good news